



تأثیر آیین زرتشت بر یونان قدیم

نویسنده: دکتر ژاله آموزگار

(مجله هنر و مردم، شماره ۱۱۶، خرداد ۱۳۵۱)

@parsname

آیین زرتشت در حدود قرن ششم قبل از میلاد، در سرزمین ایران بزرگ، و در شرایط خاص محلی بوجود آمد.

تولد این آیین در ممالک اطراف همسایه آن دوران نمیتوانست بی تأثیر باشد و به خصوص یونان، برای توجه به ایران و به مذهبی که زرتشت عرضه کرده بود انگیزه های فراوانی داشت.

یونانیان در آن دوره زبان فارسی و شاید هیچ زبان دیگری جزء زبان خود را نمیدانستند و آنچه در آثار اولیه آنان از ایرانیان ترسیم شده است، با صورت واقعی و ذاتی آنها چندان وفق نمیدهد.

اگر از جزوه کوچکی که قبل از هرودوت از زرتشت نام میبرد سخنی به میان نیاورم، در حقیقت هرودوت را میتوانیم اولین مورخ بزرگی بدانیم که هم وطنان خود را با جزئیات بیشتری از تعالیم زرتشت آشنا میکند.

با این که اطلاعات او بیشتر از پارسیان است که در بابل و آسیای صغیر طرف صحبت او بوده اند، و آنچه عرضه میکند البته جامع نیست ولی قابل توجه و مقرون به حقیقت است.

هرودوت بر اختلاف میان عادات دو ملت انگشت میگذارد: پارسیان نه معبد و نه محراب دارند و نه خدایی چون خدایان ما، آنان در جاهای بلند آسمان را در مجموع میستایند. قربانیان خود را مصرف نمیکنند.

اجساد با تشریفات خاصی به پرندگان عرضه میشود ... از نظر تعالیم و اخلاق، اعتقادشان منطقی و مستدل است؛ یک گناه و اشتباه به تنهایی به حساب نمی آید، بلکه تعادل اعمال نیک و بد هر کس مورد توجه قرار میگیرد، تعلیم و تربیت آنان غمض و پیچیده نیست، ساده و اساسی است: اسب سواری کردن، تیراندازی نمودن و راست گفتن ...

هرودوت تنها چیزی که از ثنویت ایرانی و ستیزه بر علیه بدی عرضه میکند، مبارزه با گروهی حیوانات موذی است.

پدر ضمن چند مورد از محرمات آنان را بر می‌شمارد: تف کردن، رودخانه را آلودن و... البته از دریای عظیمی که از نظر اخلاق و اعتقادات و فلسفه حیات و ... زرتشت به دنیای آن روز عرضه کرده است، این چند مورد فقط قطره کوچکی به شمار می‌آید ولی به هر حال نمونه‌ای است برای آشنایی. مورخان بعد هر کدام مطلب نوتری عرضه میکنند. کتزیاس از طرز ازدواج پارسیان سخن می‌گوید. گزنفون اشاره تغییر شکل یافته‌ای از رستاخیز مردگان در این آیین پیش می‌کشد ولی استرابن خود شخصاً در آسیای صغیر مشاهدات جدیدتری را برای این موضوع دست چین میکند.

علاقه فلاسفه در آن دوران، به تاریخ و مذهب ایران، کمتر از مورخان نبود. افلاطون بدون شک با آیین و اعتقادات مذهب زرتشت آشنایی داشته است و نوشته‌های افلاطون شاید اولین متن فلسفی یونانی باشد که از زرتشت و هرمزد نام میبرد.

ارسطو نیز با ثنویت این آیین آشناست و در آن قدیم‌ترین طلایه عقاید افلاطونی را مشاهده میکند. البته منظور این نیست که به عقاید یونانی اصل و سابقه‌ای ایرانی داده شود، بلکه شاید بتوان نوعی تسلسل و مشابهت در آن پیدا کرد.

پس از اسکندر و لشگرکشی‌ها و تماسهای مداومی که میان ایرانیان و یونانیان پدید می‌آید، به عقاید تازه تری بر می‌خوریم، از آن جمله در بعضی از آثار میبینیم اظهار میشود که فیثاغورث و همه فلاسفه نخستین تعلیم یافته مکتب عقلای شرق و ایران بوده‌اند.

نشر و بسط عقاید فلسفی و مذهبی ایرانیان شاید وسیله‌ای بود که مقابله با غلبه هلنیسم و حفظ برتری به کار گرفته شد. و یونانیان نیز برای پذیرش چنین نظراتی آمادگی داشتند زیرا که از بعد از قرن اول قبل از میلاد، فلسفه یونان به سوی نوعی عرفان کشیده میشد، و در نتیجه عقاید فیثاغورث چون نوعی مذهب عرضه میگردید و مشهور شد که فیثاغورث شاگرد زرتشت بوده است و افلاطون از فقهای پارسی و پیشوایان دینی زرتشتی دیداری کرده است و یا خیال چنین اقدامی را در سر می‌پرورانده. اینها همه دلایل تازه‌ای برای نگرستن یونانیان و رومی‌ها به سوی ایران بود.

رفته رفته دل باختگی به شرق و به خصوص ایران و آیین زرتشت ریشه دارتر میشد و جالب اینکه برای دادن ارزش به هر نوشته مربوط به کیمیاگری، ستاره‌شناسی و اختر شناسی و تبلیغی بهتر و قابل قبول تر از این نمی‌یافتند که آنرا منسوب به زرتشت کنند.

نو افلاطونیان که با دلایلی بیشتر به عقاید دینی زرتشتی رایج در ایران توجه پیدا کردند و ضمن تفسیر عقاید افلاطونی موضوع ثنویت و سایر عقاید زرتشتی را جامع تر عرضه نمودند، اصل آفرینش در دین زرتشتی را به میان کشیدند که اصل واحد یا زمان، بالاتر از اوهرمزد و اهریمن قرار دارد. و این اشاره به یکی

از عقاید اساطیری دینی زرتشتی درباره آفرینش است که بعدها به ژروانیت نیز تعبیر میگردد. افسانه ای جالب این عقیده را همراهی میکند و آن این که ژروان یا خدای زمان و قدرتی بالاتر از همه قرن ها در انتظار داشتن نسلی صبر کرد و چون دوران این انتظار طولانی بود و صبر و تحمل طاقت فرسا، شکی در او پدید آمد که هرگز نسلی از او به وجود نخواهد آمد.

اما از صبر و تحمل او اوهرمزد پدیدار گردید، نیک، با قدرتی عظیم در مسیر راستی، روشنایی، درخشندگی، خوش بویی و هر آنچه خوب است و دوست داشتنی. و از سایه شک ژروان و اهریمن درست شد، بد، خراب کننده با قدرتی در مسیر بد کردن، تاریک و بدبو و نفرت انگیز... و هزاره های آفرینش جولانگاه ستیزه های این دو قدرت نیکی و بدی است که سرانجام به پیروزی اوهرمزد منجر خواهد گردید. این عقیده اساطیری، در آثار یونانی به طور خلاصه ای دیده میشود و در بعضی نوشته های ارمنی، گاهی به صورت تحریف یافته ای عرضه میگردد

بعدها، پیدایش دین مسیح، مبلغان او را به یادگیری این سوق میدهد و ما تعاریف تغییر شکل یافته ای از اعتقادات زرتشتی را در آثار آنان که به زبان های دیگر است میبینیم.

<https://telegram.me/parsname>

• تهیه پی دی اف توسط کانال تلگرامی ایران نامه